

# Analysis of the Freedom Scale in Parenting Styles with Islamic Teachings

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### Authors

Mohammad Reza Fereydooni<sup>1\*</sup>

Seyyed Meysam Mosavian<sup>2</sup>

### How to cite this article

Mohammad Reza Fereydooni, Seyyed Meysam Mosavian, Analysis of the Freedom Scale in Parenting Styles with Islamic Teachings, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(1): 211-218.

1. Assistant Professor of Theology, Bu Ali Sina University (Corresponding Author).
2. Master, General Psychology

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: dr\_fereydooni@basu.ac.ir

### Article History

Received: 2022/03/13

Accepted: 2022/06/14

## ABSTRACT

The concept of freedom and its emersion in parenting is one of the important issues in the field of training and education. Inevitably, parents will have to deal with the issue of freedom in their children's upbringing. Nowadays, there is dispute about granting freedom to children and that, to what extent they can be left free in their activities and decisions. Three approaches can be identified in this extent, which are leniency, authoritative, and Despotism. The present article intends to introduce these styles, considering the teachings of the Ahl Al-Bayt (as). In addition, it aims to resolve the contradiction of the empirical data of parenting styles in the category of freedom, by presenting the realms of freedom based on the age and stage of development of the child. The research methodology of this work is based on documentary and library method. The research findings show that each of the aforementioned styles uses its own method of giving freedom in a consistent manner and, each of them presents contradictory empirical data to prove itself. While the style of parenting, which is inferred from the narrations of the Ahl al-Bayt and the Prophetic biography, is a variable style in accordance with the age and state of the child. With the explanation that up to the age of seven, the style of parenting is leniency and from the age of seven to fourteen, the style of parenting is despotic, and from the third seven years and the beginning of puberty, with increasing freedom, the authoritative style of parenting is realized. This variable and malleable model with respect to its degree of freedom at different ages, makes its own style of parenting.

**Keywords:** Islamic Lifestyle, Parenting Style, Freedom, Leniency, Authoritative, Despotism, Ahl Al-Bayt

## تحلیل و واکاوی مقیاس آزادی در سبک‌های

## فرزندپروری با آموزه‌های اسلامی

محمد رضا فریدونی<sup>\*۱</sup>

استادیار گروه هیات دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول).

سید میثم موسویان<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی

## چکیده

مفهوم آزادی و نمود آن در فرزندپروری از جمله مسائل مهم در زمینه تربیت است و خواهناخواه والدین با مقوله‌ی آزادی در ساحت تربیت فرزندان خود سروکار خواهند داشت. در عصر حاضر نسبت به اعطای آزادی به فرزند و این که تا چه حدی می‌توان او را در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش آزاد گذاشت، اختلاف وجود دارد. سه سبک را می‌توان در این حیطه، شناسایی کرد که عبارتند از سبک آسانگرایانه، مقتدرانه و مستبدانه. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا علاوه بر معرفی این سبک، در پرتو معارف اهل‌بیت (ع) علاوه بر حل تناقض داده‌های تجربی سبک‌های فرزندپروری در مقوله‌ی آزادی، قلمرو آزادی را بر اساس سن و مرحله رشد کودک معین نماید. روش این پژوهش بررسی اسنادی و به شیوه کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از سبک‌های نامبرده شده، شیوه‌ی خود را در دادن آزادی به شکلی ثابت به کار می‌برد و هر کدام برای اثبات خود، داده‌های تجربی متناقضی با دیگری ارائه می‌دهد. در حالیکه سبک فرزندپروری که از روایات اهل بیت و سیره‌ی پیامبر اسلام استنباط شده، یک سبک چرخشی با توجه به سن و وضعیت کودک است. با این توضیح که تا هفت سالگی سبک فرزندپروری آسانگیر و از هفت سالگی سبک فرزندپروری مستبدانه و در هفت سال سوم و شروع بلوغ، با افزایش آزادی، سبک فرزندپروری مقتدرانه، تحقق می‌یابد. این مدل چرخشی و منعطفانه با میزان آزادی، مدلی مختص به خود را می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** سبک زندگی اسلامی، فرزند پروری، آسانگیرانه، مقتدرانه، مستبدانه، اهل بیت ع.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

\* نویسنده مسئول: dr\_fereydooni@basu.ac.ir

## مقدمه

پدر و مادرها به دنبال پرورش فرزندان آزادی، مستقل و متکی به خود هستند. این هدف وقتی میسر می‌شود که خود پدر و مادرها درک درستی از مفهوم آزادی داشته باشند. (۱). بدون شناخت از آزادی، پدر و مادر نمی‌توانند به طور موثر وظایف خویش را در قبال فرزندان، انجام دهند. هدف اصلی فرزندپروری، آموزش و پرورش کودک، در روندی است که مسیر تبدیل به عنوان یک انسان آزاد را تجربه کند. فرایند متحقق شدن به "انسان آزاد" لازم‌هاش یادگیری قوانینی است که درک کودک را از خود، افزایش دهد و بر این اساس، قابلیت‌های او ظهور یابد. اما تا چه حدی یادگیری باید، مستقیم یا غیر مستقیم باشد و در مسیر این یادگیری، چه میزان باید برای متربی آزادی در نظر گرفت، خود دیدگاه‌هایی را در زمینه تربیت و فرزندپروری رقم می‌زنند.

با توجه به دیدگاه مکاتب روانشناسی به یادگیری و نسبت آن با آزادی، سبک‌های فرزندپروری و نحوه‌ی تعامل با کودک متفاوت است. روانشناسان در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند وضعیت رشد عقلانی هر کودکی، از تولد تا بزرگسالی، بر روی سبک‌های فرزندپروری والدین او اثر می‌گذارد.

کوتمان در سال ۲۰۱۳، عوامل مختلفی را برشمرده است که بر والدین در فرزندپروری اثر می‌گذارد، مانند جنبه‌های رشد شناختی، رشد عاطفی، آمادگی تحصیلی، اختلالات خوردن، موفقیت دانشگاهی، احساس خوب بودن، استفاده از مواد مخدر (۱). با وجود تمام این عوامل اثر گذار، مطالعات روانشناسان در حیطه‌ی فرزندپروری در نهایت منجر به نظریه‌ای شد که "بومریند" فرزند پروری را به سه سبک تقسیم نمود، آسان‌گیر، استبدادی و اقتدار گرا (۲) و سبک چهارمی نیز وجود دارد که مقوله‌ی آزادی را به صورت نسبی و منعطفانه، با توجه به بازه‌ی سنی فرزند، تغییر می‌دهد و ما در این مقاله اسم این سبک چهارم را سبک فرزندپروری منعطفانه می‌نامیم که با توجه به پژوهش صورت گرفته، با فرامین اهل بیت منطبق می‌باشد. اسلام برای تربیت در تمامی مراحل رشد فرزندان، تأکید فراوان دارد و آن را از جمله وظایف والدین در شمار حقوق فرزندان، می‌داند. با نگاهی به آیات قرآن و روایاتی که از پیامبر اکرم ص و اهل بیت پاکش در مورد فرزند، وارد شده، می‌توان به نگرش اسلام درباره‌ی فرزند و جایگاه فرزندان در اندیشه اسلامی دست یافت. مسئله‌ی تربیت از چنان اهمیتی برخوردار است که دعای بیست و پنجم صحیفه‌ی سجادیه، به آن اختصاص یافته است و نیز در کتاب شریف نهج البلاغه، نامه‌ی سی و یک، در باب اهمیت فرزندان آمده است. از نظر قرآن کریم، فرزندان نعمت‌های الهی هستند در صورتی که در مسیر هدایت کتب آسمانی و دم قدسی انبیاء الهی قرار گیرند. اگر والدین شناخت کافی نسبت به مولفه‌های تربیت صحیح اسلامی نداشته باشند، به وظائف خود در قبال فرزندان عمل نکرده‌اند و به تعبیر پیامبر اکرم ص، از عطیه‌ای که خدا در اختیار بنده‌اش قرار داده که به منزله‌ی گلی از گلهای بهشت است، بهره نبرده‌اند «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (۳).

۱. فرقان: ۷۴، کهف: ۴۶، انفال: ۲۸.

در فلسفه‌ی پست مدرن، اخلاق نسبی است و این روش تربیتی تعامل گسترده‌ای با این فلسفه دارد (۴). اساس این دیدگاه، آزادی برای آموزش است. در این روش، ما نمی‌توانیم دیگران را به طور مستقیم آموزش دهیم. ما فقط می‌توانیم آموزش را تسهیل کنیم (۶).

۲-۱-۲ منتقدین سبک آسان‌گیر فرزندپروری منتقدین این دیدگاه معتقدند، که والدین با این سبک و دادن آزادی به بچه‌ها تا این حد، اجازه می‌دهند که فرزندان، آنها را استخدام<sup>۶</sup> کنند. داشتن حقوق بدون مسئولیت مسیر رشد بچه را متوقف می‌کند، چون برای شایسته شدن، شما باید در راه انجام کار، توانمند شوید. و زمانی که مجبور نباشید مسئولیت بپذیرید، مجبور نخواهید بود که به فرد مسئولی تبدیل شوید. این سبک، فرزندان را پرورش می‌دهد که از نظر توانایی‌های اجتماعی ماهر و مردم‌گرا هستند اما مشکلات رفتاری دارند و بعضاً از مدرسه چون به آن‌ها آموزش می‌دهد، خوششان نمی‌آید. (۲).

البته ممکن است در تئوری اینطور گفته نشود اما در عمل این اتفاق خواهد افتاد، چون آنها می‌خواهند به فردیت و تلاش فرزندان و استقلال شخصی فرزندان برای ایجاد زندگی‌اش، احترام بگذارند، به آنها اجازه می‌دهند تا هر چه می‌خواهند بکنند. بنابراین از اولین سال‌های زندگی، فرزندان می‌توانند تصمیم بگیرند و هر مسیری را که می‌خواهد تجربه کند. دو اشتباه این والدین می‌کنند، اول، سوء تفاهم در مورد آزادی. دوم، آنها بچه‌هایشان را یک انسان کامل در نظر می‌گیرند که قادر است فرق بین واقعیت و هوس را خوبی درک کند. این دو اشتباه به هم مربوط است. زمانی که فرزندان در خانه هستند ما آنها را آزاد می‌گذاریم، اما هنگامی که آنها در اجتماع هستند، به آنها اجازه داده نمی‌شود که هر کاری می‌خواهند انجام دهند. به عبارت دیگر آزادی بستگی به موقعیت دارد. در این موقعیت آزادی به حضور والدین وابسته است و آزادی واقعی نیست. به علاوه کودکان تحت فشار داده‌های حسی هستند. همان طور که روسو<sup>۷</sup> اشاره کرد، درست است که انسانها تمایل به خوب بودن دارند، اما همیشه خوب، درست و واقعیت را از هم تشخیص نمی‌دهند. برای مثال، مزه‌ی شیرینی برای بچه‌ها دلچسب است. والدین آسان‌گیر به بچه اجازه می‌دهند که هر چقدر تمایل دارد شیرینی مصرف کند. این ابدا رفتار غذایی سالمی نیست. بچه چاق خواهد شد و اگر بچه به سمت بیماری برود، بیماری آزادی را از او خواهد گرفت. کودک بیمار، به محیط وابسته‌تر است تا یک کودک سالم. تحقیقات برومبند<sup>۸</sup> نشان می‌دهد که نوجوانانی که در خانواده‌های آسانگیر بزرگ شده‌اند شایستگی‌های کمتری نسبت به خانواده‌های دیگر دارند. دورن بوش<sup>۹</sup> و همکاران نشان دادند که رابطه‌ای بین پیشرفت تحصیلی و نوع فرزندپروری وجود دارد. نتایج آنها نشان داد که آسان‌گیر بودن والدین، همبستگی منفی با نمره دارد. در تحقیق

## سبک‌های فرزندپروری فرزندپروری آسان‌گیر

والدین آسانگیر ارزشها و استانداردها و قوانین را به فرزندان نشان تحمیل نکرده و از تندی، تنبیه یا شیوه‌های سنتی استفاده نمی‌کنند. در این سبک سعی بر آن است که والدین، کنترل و تقاضا را نسبت به فرزندان کمتر نموده و تمایلات فرزندان را برآورده سازند. آنها در هر موقعیت فرزندان را تشویق کرده و آن‌ها را محترم می‌شمردند. در جهت تقویت نمودن آزادی فرزندان، در تصمیم‌گیری آنها دخالت نکرده و آن‌ها را ملزم به انجام تکلیفی نمی‌کنند. اینان روی محبت مثبت و بی‌قید و شرط تاکید می‌کنند. در سبک فرزندپروری آسان‌گیر، تا زمانی که فرزند از والدین کمک نخواهد، آنها در کار هدایت و تصمیم‌گیری و عکس‌العمل و رفتار بچه مداخله نمی‌کنند. پدر و مادر آسانگیر به عنوان حمایت‌گریست که وقتی فرزند بخواهد و نیاز داشته باشد وارد عمل می‌شود. این شیوه‌ی فرزندپروری در مطالعات بومریند ۱۹۶۷، ۱۹۹۱ و الگر<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۱، و بون<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۷، و گونزالس<sup>۱۲</sup> و هولبین<sup>۱۳</sup> و کویلر<sup>۱۴</sup> ۲۰۰۲، بحث شده است (۱).

## مدافعين نظريه سبک آسان‌گیر فرزندپروری

قائلین به این نظریه اعتقاد دارند که با خط‌دهی و کم کردن آزادی و توجه مشروط یا منفی، کودک از مسیر تجربه کردن و تحقق خویشتن خارج شده و به سمت ترجیح تجارب دیگران به تجربیات خود خواهد رفت و در آخر فردی می‌شود که خود را از نگاه دیگران ارزیابی می‌کند و به خاطر اهمیت ارضای نیاز به تایید شدن، شدیداً به نگرشها و رفتارهای دیگران حساس می‌شود. زیرا انسان در بازخوردی که از دیگران دریافت می‌کند (تایید یا عدم تایید آنها)، خودپنداره‌ی خود را گسترش داده و پالایش می‌کند. این گروه معتقدند: اگر فرزند در تصمیم‌گیری‌های خود با توجه به تجاربش، آزاد نباشد، فرزند تجربه‌ی خود را انکار کرده و در عوض برای جلب توجه والدین، تجربه‌ی آنها را اصل تلقی می‌کند که با ادامه‌ی این فرایند، فرزندی داریم که دایم خود را از منظر دیگران ارزیابی کرده و تنها زمانی احساس خوبی به خود و توانایی‌های خود دارد که دیگران او را تایید کند و این باعث میشود که فرزند، اعتماد به نفس نداشته و قدرت نه گفتن را کسب نکند (۴).

حاصل چنین موقعیتی، عدم رشد «خودارزشمندی» در فرزندان است، یعنی فرزندان تنها تحت شرایط خاصی خود را با ارزش می‌بینند (۵). این سبک از فرزندپروری، والدین را به روش «بی‌رهنمون» تشویق می‌کند که موفقیت‌های بسیاری در درمان به دنبال آورده است. روش بی‌رهنمون یعنی دادن حداکثر آزادی در مسیر رشد و تعلیم و تربیت.

<sup>۶</sup> manipulate

<sup>۷</sup> Rousseau

<sup>۸</sup> Baumrind,

<sup>۹</sup> Dornbush

<sup>۱۰</sup> Alegre,

<sup>۱۱</sup> Boon,

<sup>۱۲</sup> Gonzalez,

<sup>۱۳</sup> Holbein,

<sup>۱۴</sup> Quilter,

منتقدین سبک فرزندپروری مستبدانه

منتقدین این نظریه با در نظر گرفتن مطالعات کاواسیل<sup>۴</sup> و دوپل<sup>۵</sup> و مارکیوز<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۳ نشان دادند که اگر تنبیه و شیوه‌های منفی در تعامل با کودکان زیر هفت سال صورت بپذیرد، آنها کودکانی با «دلبستگی اجتنابی» خواهند بود و این مطالعات نشان دادند که شیوه‌های منفی در تعامل با فرزندان باعث میشوند که آنها در مهارتهای مقابله با استرس کم مهارت تر از فرزندان باشند که والدینشان کمتر برخورد منفی می‌کنند. مطالعات مختلف توسط لامبرون<sup>۷</sup> و همکاران ۱۹۹۱، سولدو<sup>۸</sup> و هوبنر<sup>۹</sup> ۲۰۰۴ نشان داد که والدینی که از نوزادی عصبانیتشان را روی بچه خالی میکنند، باعث می‌شود که در نوجوانی از اعتماد به نفس لازم برخوردار نخواهند بود. فرزندان والدین مستبد خود را به عنوان یک فرد مفید و تصمیم‌گیر برای زندگی خودشان تصور نمی‌کنند. مطالعات متمرکز در مقاطع مختلف تحصیلی نشان داده که فرزندان خانواده‌هایی با برخورد منفی، انگیزه کمتری برای یادگیری داشته و برای اینکه خود را از شکست در امان دارند و برای حفظ ارزش و اعتماد به نفس، ترجیح می‌دهند که کمتر با کارهای چالش برانگیز روبرو شوند و در مراحل آکادمیک کمتر موفقیت کسب میکنند. این کودکان رفتار خود را توسط منبع بیرونی و نه از عوامل ذاتی مانند تمایلات شخصی کنترل میکنند. به این کودکان فرصتی برای تصمیم‌گیری برای خود داده نشده و در عوض فقط به اطاعت و اداری شده‌اند (۱). در این سبک، نوع فرزندان، با روحیهی خجالتی بزرگ می‌شوند و امکان توسعه مهارت‌هایی مانند تفکر انعطاف‌پذیر، پژوهندگی برای آن‌ها بوجود نمی‌آید. به علاوه این فرزندپروری با شیوه‌های منفی و دستورات باعث میشود که کودکان مسئولیت اعمال خود را بردوش نکنند. و اگر کودکی احساس مسئولیت اعمال خود را برعهده نگرفت، ممکن است خود را درگیر اقدامات مختلفی کند که میتواند باعث آسیب زدن به خود و به دیگران بشود و او را به سمت بزهکاری رهنمون سازد. مشخص شده است که کودکان این والدین نرخ بالاتری از بزهکاری را تجربه می‌کنند (۸).

سبک فرزندپروری مقتدرانه

فرزندپروری مقتدرانه یعنی پدر و مادری در عین جدی بودن، مهربان و دلسوز و پاسخگو باشند که نشانه‌ی سلامت روان آنهاست. آنها فرزندان را به عنوان فردی منحصر به فرد می‌پذیرند و نه به عنوان یک بزرگسال رشد یافته و بالغ. لذا والدین در این سبک، مرزهایی روشن برای تنظیم و هدایت برای فرزندان ترسیم می‌کنند. در عین حال از تنبیه و روشهای سخت انضباطی استفاده

دیگری هایکرفت و بلیست نشان دادند که نشانگان اختلال تغذیه با سبک خانوادگی آسانگرا بیشتر ارتباط دارد تا بقیه ی سبکها. بدین سان تحقیقات نشان میدهد که فرزندان والدین آسان گیر بیشتر درگیر مصرف مواد، سیگار و الکل می‌شوند (۱).

منتقدین فرزندپروری آسان‌گیر معتقدند، فردیت نیاز به آموزش و رشد دارد و به همین وسیله فرزند خودکفا می‌شود. عدم رسیدن بچه‌ها به این خودکفایی می‌تواند بر روی اعتماد به نفس تاثیر منفی بگذارد. مطالعات در مورد مدرسه این ادعا را اثبات می‌کند. دانش-آموزانی که بدون کفایت و آمادگی تحصیلی، عاطفی و صلاحیتهای اجتماعی وارد مدرسه می‌شوند، مدرسه را کمتر دوست دارند و کمتر یاد می‌گیرند. به عبارت دیگر بچه‌هایی که برای مدرسه آمادگی دارند، موفقیت‌های تحصیلی و مهارتهای اجتماعی بیشتری پیدا می‌کنند (۱).

خلاصه این که منتقدین فرزندپروری آسان‌گیر برعکس مدافعان معتقدند که این نوع فرزندپروری نه تنها توجه فرد را درونی نکرده بلکه توجه او را به تایید دیگران متمایل خواهد کرد. و گروه اول باید مفهوم آزادی را دوباره بازتعریف کنند و فرزندان را برای مواجهه و چالش با کار وادارند و مسئولیت در رفتار برای فرزندان ضروری است. والدین باید چهارچوب داشته باشند و این چهارچوب به بچه‌ها کمک میکند تا به رشد مناسب دست یابند (۷).

سبک فرزند پروری مستبدانه

این سبک عبارت است از این که کنترل بر روی فرزندان به حداکثر می‌رسد و والدین در تمامی تصمیمات فرزندان خود دخالت می‌کنند. در این سبک قوانین ثابت و استانداردهایی به طور سنتی نهادینه شده است. اعمال قدرت از سوی والدین، تبعیت فرزندان را به دنبال خواهد داشت. لازم نیست که منطبق قوانین برای فرزندان، توضیح داده شود. فاصله‌ای به منظور حفظ اقتدار بین کودک و پدر و مادر وجود دارد. در حالتهای تندرو و خشن این سبک، تنبیه هم به اجرا درمی‌آید (۱).

مدافعين سبک فرزندپروری مستبدانه

در سبک فرزندپروری مستبدانه، مقوله تنبیه، از شاخص‌های اصلی است. تنبیه در نظریات یادگیری مبتنی بر رفتارگرایی مانند نظریه‌ی «گاتری» مفید توصیف شده و تحقیقاتی تایید میکنند که نوع تنبیه و چگونگی آن اگر درست باشد، به تغییر رفتار غلط می‌انجامد. گاتری<sup>۱</sup> می‌گوید، تنبیه نه به علت ناراحتی ای که تولید میکند، بلکه به سبب اینکه نحوه ی پاسخدهی فرد را به محرکهای محیطی تغیر میدهد، موثر است و آزمایشات فالر<sup>۲</sup> و میلر<sup>۳</sup> هم نظریات گاتری را حمایت کردند.

<sup>۴</sup> Markiewicz

<sup>۷</sup> Lamborn

<sup>۸</sup> Suldo

<sup>۹</sup> Huebner

<sup>۱</sup> Gatry

<sup>۲</sup> Fowler

<sup>۳</sup> Miler

<sup>۴</sup> Karavasilis

<sup>۵</sup> Doyle

نمیکنند، بلکه سعی میکنند با مدل سازی، استدلال عقلانی، توضیح و نظارت، بچه ها را هدایت کنند (۲).

مدافعین سبک فرزندپروری مقتدرانه

مطالعات کارواسیلی، دوئل و کارکیویز، سال ۲۰۰۳، نشان میدهند که این سبک فرزندپروری با «دلبستگی ایمن» رابطه دارد و دانش-آموزان با این سبک تربیت، آمادگی بیشتر تحصیلی را نسبت به بچه هایی با سبک تربیتی استبدادی و آسان گیر نشان میدهند و از نظر فعالیت های علمی هم موفقیت های بیشتری کسب میکنند و نوجوانان با این سبک پرورش مصرف مواد کمتری دارند و سرانجام، سولدو و هوینر در سال ۲۰۰۴، دریافتند که نوجوانان والدین اقتدارگرا نسبت به نوجوانان والدین دیگر در اوایل و اواسط و اواخر دوران نوجوانیشان احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند. مطالعات کوهن و همکارانش در ۲۰۰۸، نشان می دهند که دانش آموزان خانواده های اقتدار گرا، خود انگیزگی، کنجکاوی، علاقه به تحصیلی و یادگیری بیشتری دارند و علاقه دارند مسائلشان را خودشان حل کنند. و مطالعات چاس در سال ۲۰۰۱، میلر و هوی، در سال ۲۰۰۱، نشان داد، مواجه شدن با تکالیف چالشی و تشویق با مقابله با آن، یک کودک را آرموده میکند و احساس کارآمدی را در او افزایش میدهد. این آرمودگی او را موفق تر میکند (۱). در هر حال در هر سه سبک فرزندپروری مداخله و میزان گرفتن آزادی است که از یک نمودار بسیار زیاد تا بسیار کم خود را نشان میدهد.

کسانی که سبک فرزندپروری مقتدرانه را تنها نسخه فرزندپروری میدانند، از این نکته غفلت کرده اند که این نوع فرزندپروری، برای همه ی موقعیت ها، قابل اجرا نیست. به خصوص زمانی که فرزندان یک خانواده، فرزندان سخت هستند. بدین معنا که این فرزندان، بیش از آن چه به نظر می رسد، باعث می شوند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، قابل اجرا نباشد.

تحلیل سه سبک فرزندپروری

در نگاه اول به نظر میرسد که تحقیقات و نظریه ها کاملاً با هم در تناقضند اما آیا این مباحث و تحقیقات واقعا غیر قابل جمع هستند؟ به نظر ما اینگونه نیست. اکثر تحقیقات در انتقاد از فرزندپروری آسانگیر مربوط است به این سبک تربیتی بر روی دانش آموزان بالای هفت سال و نوجوانان. از مطالعات انجام شده بدست آمد که، انتقادی بر فرزندپروری آسانگیرانه، در مورد نوزادان تا کودکان تا شش سال وجود ندارد. به نظر میرسد، در جمع بندی نظرات، فرزندپروری آسان گیرانه، با اندکی هوشیاری و ایجاد چالش و سختی در راه فرزندان، بهترین شیوه برای فرزندپروری در این سنین می باشد، چرا که نیازی به وجود راهنمایی مستقیم در این سنین وجود نداشته و مطابق با نظریات مختلف و بعضاً متضاد، نه تنها فایده ای بر آن مترتب نیست بلکه ممکن است کودک را دچار مشکل کند. اما زمانی که وارد سنین آموزش پذیری می شویم و کودک هفت ساله می شود، تحقیقات، فرزندپروری آسانگیر را نقد کرده و نتایج

تحقیقات این نوع فرزندپروری را به چالش می کشد. در مورد سایر سبک ها هم وضعیت به همین صورت است.

سبک فرزندپروری با رویکرد معارفی اهل بیت

آنچه از روایات اهل بیت ع دانسته می شود، این است که فرزندپروری در مکتب اهل بیت، بر اساس واقعیت محض بنا شده است. سیره علمی و عملی حضرات معصومین، بر پایه ی ظن و گمان و تجربه، بنا نگشته است و حتی اجتهادات شخصی و متکی به تصورات و تصدیقات فردی نیست. و از آن جایی که اهل بیت ع تجلی تام اسماء و صفات حق هستند و قلوب آن ها ظرف مشیت حق می باشد، هر آن چه در بیان و بنان آن ها جلوه می یابد، شعاعی از حق محض و واقعیت آدم و عالم می باشد، لذا حدیث شریف «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شَتْنَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (۹) و این فقره از زیارت مطلقه ی امام حسین ع دو شاهد مهم بر این مطلب می باشد.

و إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ (۱۰)

این سبک در دادن آزادی، شیوه ای اختصاصی دارد که در سه سبک گذشته خلاصه نمی شود. به این معنا که در این سبک آزادی بر روی یک محور قرار گرفته و با توجه به سن فرزند، حدود آزادی تفاوت پیدا می کند و در واقع سبک فرزندپروری اسلامی در دادن آزادی به کودک، یک سبک تلفیقی نسبت به سن فرزند است. برای روشن شدن این مبحث، بهتر است به این سوال بپردازیم که تربیت اسلامی در مورد سبک والدینی آسانگیر چه نظری دارد؟

روایات اهل بیت ع در مورد سبک فرزندپروری، سه مقطع را از هم مجزا کرده است. تعامل با فرزند در سه دوره ی «یک تا هفت سال»، «هفت تا چهارده» و «چهارده تا بیست و یک»، به یک میزان از آزادی برخوردار نیستند.

مقایس آزادی در فرزندپروری در مرحله اول، سیادت و کودکی

مقوله آزادی از مهمترین اصول تربیتی در سیره امامان معصوم علیهم السلام بوده است. آنچه از روایات ماثوره فهمیده می شود، این است که شایسته است، کودکان در هفت سال اول زندگی از آزادی خاصی برخوردار باشند. بهر حال کودکان از زمانی که پا به عرصه جهان هستی می گذارند، با بزرگترین و عالی ترین ارزش انسانی آشنا می شوند و آن آزادی است. از مولفه های آزادی در این مرحله، بازی کردن و بازیگوشی نمودن است.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «تَسْتَحَبُّ عَرَامَةَ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ» (۱۰).

شایسته است کودک، حرارت و بازیگوشی کند، تا در بزرگسالی شکیبا و هوشمند گردد.

در راس تمام روایات تربیتی اهل بیت ع از حضرت رسول اکرم نقل میشود که در هفت سال اول با کودکیت با احترام برخورد کن.

وَلَدٌ سِيدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ (۱۱). فرزند هفت سال آقایی میکند و در هفت سال دوم مطیع و در هفت سال سوم وزیر است.

این مطلب از حضرت صادق علیه‌السلام نیز بدین صورت نقل شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَىٰ إِلَيْكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا، وَالْأَزْمَةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سَنِينَ فَإِنَّ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ لَأَخِيرَ فِيهِ؛ (۱۰)

"کودک در ۷ سال اول زندگی سرور پدر و مادر است." در سیره ی رسول الله هم این مطلب عینا قابل مشاهده است، زمانی که بچه‌ای کاری برخلاف عرف انجام میداده حضرت با محبت با او برخورد میکردند. جابربن عبدالله انصاری می‌گوید بر پیامبر خدا وارد شدم در حالیکه حسنین بر پشتش سوار بودند و او می‌دوید و می‌فرمود چه خوب است شتر شما و چه خوبید شما دو برادر (۱۲).

محبت بی قید و شرط در سیره ی اهل بیت تا جایی پیش می‌رود که گاهی اوقات فرزندی را به دامن پیامبر میدادند تا ایشان دعا برایش بخواند. پیامبر با احترام به کسانش او را با آغوش باز می‌گرفت و در دامن خود می‌گذارد، گاهی اتفاق می‌افتاد که در حین دعا خواندن، کودک خیس می‌کرد و پیراهن مبارک حضرت را آلوده می‌ساخت. همین که پدر میخواست عتابی بکند حضرت جلوگیری میکردند و میفرمودند با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید سپس طفل را آزاد می‌گذارند تا طفل ادرار کند و زمانی که دعا را تمام میکردند و والدین کودک، او را می‌گرفتند کمترین آزرده‌گی و ملالت خاطر در پیامبر دیده نمی‌شد و وقتی که کسان طفل می‌رفتند پیامبر لباسشان را تطهیر میکردند (۱۲).

علی علیه‌السلام فرمودند، هر کس کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سر حد طفولیت و کودکی تنزل دهد (۳). پیامبر (ص) هرگز از کارهای کودکان ایراد نمی‌گرفت بلکه کار درست و کامل را به آنان یاد می‌داد و می‌فرمود: این‌گونه انجام دهید. «و کان إذا أنکر الشئیء یقول: کذا قضی» (۱۳)

گروهی خدمت امام حسن عسگری (ع) می‌رسند. روی زانوی حضرت، بچه‌ای نشسته بود. هنگامی که حضرت خواستند پاسخ پرسش‌ها را بنویسند، کودک قلم را از دست امام کشید. آن‌گاه امام، برای اینکه بچه را ناراحت نکرده باشد، یک توپ قشنگی را در دستشان گرفتند و سپس جلوی کودک آن را رها کردند. کودک وقتی آن توپ قشنگ را دید، قلم را رها کرد و به دنبال توپ رفت. در این هنگام حضرت مشغول نوشتن شدند (۱۴)

به طور خلاصه، فرزندپروری در روایات اهل بیت (ع)، سبک فرزندپروری آسانگیر را رد نکرده و به آن در سنین زیر هفت سال توصیه ی اکید دارد.

اسلام کودکان را در این سنین آزاد می‌گذارد تا هر گونه که خواستند رفتار کنند، زیرا شیوه‌ای جز این بر خلاف جبلیت کودک است (۱۵)

کودک در این مرحله مورد امر و نهی قرار نمی‌گیرد. در روایت است که ام خالد می‌گوید: با پدرم خدمت رسول خدا رسیدم و مشغول بازی با انگشتر ایشان شدم، پدرم با درشتی مرا از این کار نهی کرد. رسول خدا فرمود او را رها کن تا بازی کند (۱۶)

مقیاس آزادی در فرزندپروری در مرحله تعلیم و تادیب، هفت ساله دوم

بعد از اینکه کودک به دوران آموزش پذیری وارد می‌شود، در روایات، سبک فرزندپروری تغییر می‌کند. این نوع چرخش تا بحال در مکاتب روانشناختی بررسی نشده است و این چرخش می‌تواند تمام تناقضات ظاهری در تحقیقات ارائه شده در این مقاله را حل کند. این چرخش به این صورت است که والدینی که بخاطر سن کودکش، بصورت آسانگیر با وی برخورد داشته است حال، بعد از ورود کودک به مرحله ی آموزش پذیری آموزش مستقیم میدهد. این مسئله در روایتی به وضوح از امام ششم شیعیان آمده است:

هنگامی که کودکی به سه سالگی رسید تهلیل را به او بیاموزید و او را رها کنید. هفت ماه بعد محمد رسول الله را به او بیاموزید و رها کنید، چهار ساله که شد صلوات را بیاموزید و در پنج سالگی سمت راست و چپ را بیاموزید و قبله را نشان دهید و به او بگویید سجده کند و رهایش کنید. شش سالگی فقط پیش او نماز بخوانید و رکوع و سجود یادش دهید و از هفت سالگی وضو را تعلیمش دهید و بگویید که نماز بخواند (۳).

در روایات ما از هفت ساله دوم به مرحله تکلیف پذیری و تعلیم و آداب آموزی تعبیر کرده‌اند و لازم است والدین هوشمند بر اساس نیازهای این دوره آزادی لازم و متناسب با این مرحله را در اختیار فرزندشان قرار دهند.

از پیامبر (ص) نقل است که فرمودند: «خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند و سپس بدین گونه توضیح فرمودند که: آن چه را که کودک در قدرت خویش داشته و انجامش داده، بپذیرد و آن چه که بر کودک طاقت فرساست، مطالبه نکند و او را به گناه و طغیان واندارد و به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود (۱۷).

امام سجاد (ع) آموزش و پرورش دینی را، از جمله بایستگی‌ها و حقوق فرزندان بر والدین می‌داند:

«و اینک مسئول عمّا ولیته به من حسن الأدب و الدلالة علی ربه و المعونه له علی طاعته، فاعمل فی أمره عمل من یعلم أنه مثاب علی الإحسان إلیه، معاقب علی الإساءة إلیه،» و تو در برابر کسانی که عهده‌دار سرپرستی آنان هستی، در پیشگاه خداوند مسئولی که آنان را به درستی ادب کنی و به خداوند رهنمونشان باشی و راه اطاعت از خداوند را به آنان نشان دهی. پس به هوش باش که در آموزش و پرورش آنان سخت بکوشی و بدانی که بر آموزش و پرورش درست آنان پاداش و برگمراه ساختن شان کیفر خواهی شد. (۳، ۱۱)

در این دوره که تربیت به صورت مستقیم، صورت می‌پذیرد، تنبیه بدنی و زیاده روی در سرزنش، در روایات منع شده است.

امام علی علیه‌السلام در زمینه نامطلوب بودن سرزنش کودکان و نوجوانان می‌فرمایند:

«زیاد سرزنش مکن؛ زیرا که سرزنش کینه می‌آورد و به دشمنی می‌انجامد. کسی را سرزنش نما که امید داری از بدی خود برگردد» (۱۸)

علی علیه‌السلام فرمودند: «با فرزندان خود به پسندیده و مودب سخن گویید تا او نیز به شما با احترام جواب گوید» (۱۹).

سرانجام ممکن است انقدر راه متفاوتی از شما پیش گیرد که حتی خیر فرزند بودن خود را نیز از شما دریغ کند و دشمن محسوب شود. و همینطور مدلی که در قرآن کریم در مورد پسر نوح علیه السلام وجود دارد به همین صورت است. او پسرش را به سوار شدن در کشتی دعوت مینماید و اما پسر دعوت را رد میکند و راه خودش را میبرد. نوح هم ممانعتی از رفتن او نمیکند و تنها برای او دست به دعا برمی‌دارد. (هود، ۴۹ - ۳۶)

#### نتیجه‌گیری

سبک‌های فرزندپروری در مقیاس دادن آزادی به کودک رویه‌های گوناگونی دارند. در سبک فرزندپروری آسانگیر، نهایت آزادی را برای فرزند درخواست می‌کند و در سبک فرزند پروری مقتدرانه آموزش مستقیم و محبت را تجویز کرده و در سبک فرزندپروری مستبدانه، برخورد های منفی را هم در آموزش مجاز می‌داند. اما آن سبک فرزندپروری که در روایات اهل بیت و سیره‌ی پیامبر اسلام استنباط شده، یک سبک چرخشی با توجه به سن و وضعیت کودک است. به این صورت که تا هفت سالگی سبک فرزندپروری آسانگیر و از هفت سالگی سبک فرزند پروری مقتدرانه و در هفت سال سوم و دوران بلوغ دوباره آزادی کمی بیشتر از هفت سال دوم وجود دارد. این مدل چرخشی و منعطفانه با میزان آزادی، مدلی مختص به خود را می‌سازد.

## References

### The Holy Quran

1. Kotaman, Huseyin, (2013) Freedom and Child Rearing: Critic of Parenting Practices from a New Perspective. Procedure - Social and Behavioral Sciences. Volume 82, 3 July 2013, Pages 39-5
2. Baumrind, D. (1967). Effects of authoritative parental control on child behavior. Child Development, 38, 887-908.
3. Har'amli, Mohammad Ibn Hassan, 1988, Shiite means, vol. 15, Tehran, Islamic edition
4. Atkinson, Rital L. et al. (2005), Psychology, translated by Hassan Rafiei et al., Volume 2, Fifth Edition, Tehran, Arjmand Publications.
5. Dovan Schultz, Sydney Allen Schultz; (2005) Theories of personality, Translator: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, seventh edition, Dovarn Publishing.

علی علیه السلام می‌فرماید: «بند پذیری انسان عاقل با ادب و تربیت است، چهارپایان و حیواناتند که تنها با ضرب و زدن تربیت می‌شوند» (۱۹).

مقیاس آزادی در فرزندپروری در مرحله سوم، بلوغ و نوجوانی، وزارت و مشاورت

حال زمانی که فرزند به دوران نوجوانی و بلوغ نزدیک میشود، سبک والدین دچار چرخش شده و حیطة‌ی آزادی گسترش میابد. امام علی علیه السلام میفرماید: « وَكَذَلِكَ رِيحَانَتِكَ سَبْعًا، وَخَادِمِكَ سَبْعًا، ثُمَّ هُوَ عَدُوٌّ أَوْ صَدِيقٌ. »<sup>۱</sup> (۲۰).

در مرحله سوم که کودک اینک فرد بالغی شده و مانند مراحل قبل مطیع و اطاعت پذیر نیست، باید با ظرافت و لطافت بیشتری نوجوان را با آداب زندگی آشنا نمود و قواعد رفتار اجتماعی را به او پیشنهاد داد.

والدین در این مرحله لازم است که به فرزندان خود آزادی لازم را در راستای یادگیری آداب دینی هم از آداب فردی و اجتماعی و احکام دینی و احادیث پیامبر (ص) و سایر معصومان (ع) را داده و با ظرافت فرزندان خود را با حکمت‌های وحیانی و پندهای اخلاقی آشنا سازند.

پیامبر اکرم در این باره میفرماید:

«وای به حال فرزندان آخرالزمان به خاطر پدران و مادرانشان. از حضرت سوال شد، از پدران و مادران مشرکشان؟ حضرت فرمودند: خیر از پدران و مادران مومن آنها که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را به آنها نمی‌آموزند و اگر فرزندان چیزی آموختند، مانع آموزش فرزندان می‌شوند و از آنها در دنیا به سرمایه‌ناچیزی راضی‌اند، من از چنین پدرانی بیزارم و آنها از من روی گردانند» (۲۱)

و علی علیه السلام میفرماید که: «آداب و رسوم زمان خود را با زور و فشار به فرزندان تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما افریده شده‌اند». شرح (۲۰). و همینطور فرمودند که: «زیاده روی در شماتت نکنید زیرا آتش لجاجت را شعله‌ور میسازد» (۲۲).

با شروع بلوغ و فشارهای جنسی، ورود به تفکر بزرگسالانه و حس استقلال طلبی. روایات اهل بیت به والدین توصیه میکند که فرزند در نوجوانی وزیر خانواده است. به او پیشنهاد بده و از او پیشنهاد بگیر.

امام علی علیه السلام در مورد این سنین می‌فرماید:

و به مدت هفت سال دیگر مشاور و ملازم خود قرار بده. اگر در این امر موفق گشتی چه بهتر، در غیر اینصورت هیچ خیر و ثمری در او نخواهد بود (۱۸).

در این مسیر فرد آزاد است تا برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. او میتواند، آرام آرام که هفت ساله‌ی سوم را به اتمام می‌رساند، راهش را از خانواده جدا کند و او میتواند مشورت را بپذیرد و در خانواده بماند و یا اینکه راه دیگری را انتخاب کند. فرمایش حضرت امیر در مورد نبودن خیر و ثمر در فرزندی، به این معناست که او

<sup>۱</sup> کودک، هفت سال، ریحانه‌ی تو و هفت سال خادم تو و سپس یا دوست میشود و یا دشمنت.

20. Ibn Abi Al-Hadid, 2006, Sharh Nahj al-Balaghah, research by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut, Revival of the Arabic Books
21. Poetry, Tajuddin, 1363, Jame Al-Akhbar, Qom, Razi Publications
22. Ibn Shuba Harrani, Hassan Ibn Ali, 1990, The Gift of the Minds, translated by Ayatollah Kamraei, Qom, Islamic
6. Gholami, Zahra (2014), Rogers Theory of Personality. Imam Baqir Research Institute.
7. Bodrova, E., & Leong, J., D. (1996). Tools of the Mind. Prentice Hall. Columbus, Ohio.
8. Baldry, C. A., & Farrington, P. D. (2000). Bullies and delinquents: Personal characteristics and parental styles. Journal of Community & Applied Social Psychology, 10, 17-31
9. Khasibi, Hussein Ibn Hamdan, 1419 AH, Al-Hedayeh Al-Kubra, Beirut, Publisher of Balagh
10. Klini, Mohammad Ibn Yaqub, 1407, Al-Kafi, vol. 4, Tehran, Islamic Library Publications
11. Tabarsi, Hassan Ibn Fadl, 1412 AH, Makarem Al-Akhlaq, Qom, Al-Sharif Al-Radi
12. Majlisi, Mohammad Baqir, 1403, Baharalanwar, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
13. Tabatabai, Mohammad Hossein, 1996, Sunan al-Nabi, Tehran, Islamia.
14. Arbali, Abu al-Hassan Ali ibn Isa, 1405, Discovering sorrow in the knowledge of the Imams, Beirut, Dar al-Azwa.
15. Hosseinizadeh, Seyed Ali, 2009, The educational life of the Prophet and his family, vol. 1, Qom, seminary and university research institute.
16. Bukhari, Muhammad ibn Ismail, 1401 AH, Al-Sahih, Beirut, Dar al-Fikr Publishing
17. Eslami, Ahmad, 2000, Proceedings of the Conference on Education in the Life and Government of Imam Ali (as), Article on Basic Principles in Moral Education, pp. 236-270
18. Rayshahri, Mohammad, 1983, Mizan al-Hikma, Qom, Islamic Propaganda Office.
19. Amadi, Abdul Wahab Ibn Mohammad, 1994, Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam, Tehran, University of Tehran